



● احسان مصحفی

پایان بیم و نشیب‌های ۱۳۹۵

عوامل نمی‌توان به تحلیلی واقع‌نگرانه در این خصوص رسید. هرچند در آغاز این سال بسیاری از مردم ایران و البته صنعتگران عرصه ساختمان امیدوار به دستاورد بزرگ دستگاه دیپلماسی کشورمان، در انتظار گشایش بن‌بست‌ها و جوانه زدن رونق در بازار بودند، بدعهدی‌های خارجی و برخی موانع داخلی این امید را تا حد بسیاری ناکام گذاشت. شاید اگر روال کار برجام چنان که باید و قرار بود پیش می‌رفت، امروز در چنین وضعیت وخیمی به‌سر نمی‌بردیم. البته نباید از انصاف دور شد و دستاوردهای فوق‌العاده برجام را نادیده انگاشت و شرایط خطیر و ناگواری‌های ملی و جهانی را در دوره پیشابرجام به فراموشی سپرد. روشن است که امنیت امروز ما و گردش هر چند کند چرخ اقتصادی کشور تا حد بسیاری مرهون این توافق تاریخی است؛ اما این نکته را نیز نمی‌توان از

در واپسین شماره از نشریه پنجره ایرانیان در سال ۱۳۹۵، قصد داشتیم از بیم‌ها و امیدهای این سال یا فرازاها و نشیب‌های آن سخن بگوییم، اما هر چه گشتیم امید و فرازی در سال پشت سر نیافتیم. سالی پر از حوادث ناخوشایند ملی و جهانی که بسیاری از امیدهای موجود را ناامید کرد؛ و در صنعت ساختمان نیز رکود بی‌سابقه و شدید آنچنان جولان داده و می‌دهد که کارد را به استخوان بسیاری از فعالان این عرصه رسانده است. آنچه مسئله پیش رو را غامض‌تر از هر زمان دیگری می‌کند، تعدد عواملی است که در شکل‌گیری چنین شرایط ناخوشایندی دخالت دارند: از موضوعات کلان جهانی تا عوامل ریز داخلی. در این مقاله اندک فقط دو پرده از این نمایش غم‌انگیز را مرور می‌کنیم. پرده اول این نمایش، تحولاتی در سطح جهانی است که بدون توجه به این



اما و اگرها نمی‌توانند خسارات وارده را جبران کنند اما قطعاً می‌توانند مانع از تکرار آن شوند. می‌توان گفت فاجعه پلاسکو جایگاه خطیر صنعت ساختمان و استفاده از فناوری‌های روز و رعایت به‌روزترین نکات ایمنی را به نمایش گذاشت. باید اذعان کرد که حوزه ساخت و ساز نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در زندگی شهروندان بر عهده دارد که بی‌توجهی به آن می‌تواند چنین فجایی در سطح ملی به بار آورد. البته با بررسی آمارهای موجود از گستردگی بافت‌های فرسوده و نیز ساختمان‌های قدیمی و نالیمن، عمق ماجرا بیشتر نمایان می‌شود.

با مرور این دو پرده از سیر حوادث جاری، می‌توان گفت در حالی که اوضاع بین‌المللی بس ناگواری را پشت سر می‌گذاریم، کمبودها و ناکارآمدی‌های دستگاه‌های دولتی نیز مزید بر علت شده‌اند تا بر وخامت شرایط حاکم بر اقتصاد کشور و به تبع آن صنعت ساختمان دامن زده شود. در وضعیتی که امید چندانی به برچیده شدن موانع کلان اقتصادی نمی‌رود، نه تنها از نیازها و عقب‌ماندگی‌های داخلی برای به حرکت درآوردن چرخ اقتصاد بهره گرفته نمی‌شود، بلکه با بی‌تفاوتی نسبت به این موارد هر لحظه از زندگی خود را آستان حوادثی دلخراش کرده‌ایم. حتی تصور اینکه امروز چند ساختمان مانند پلاسکو در تهران وجود دارند و چه تعداد از هم‌وطنانمان در آنها مشغول زندگی یا کار فعالیت هستند، بسیار دهشتناک است.

حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که در چنین فضایی آیا نمی‌توان برنامهریزی‌هایی در سطح کلان صورت داد که توان بسیار بالای کشور در عرصه ساخت و ساز به سمت نوسازی یا بازسازی این حجم انبوه از بافت فرسوده هدایت شود، تا در درجه نخست ایمنی جان هموطنان عزیزمان تامین شود و هم خرده رونقی به صنعت عظیم ساختمان کشورمان بازگردد و هم تا حدی از ساخت و سازهای غیر ضروری و غالباً منفعت‌طلبانه که فضا و آسمان شهرمان را به گروگان خود گرفته‌اند و نفس‌ها را به شماره انداخته‌اند، نجات یابیم؟

به هر حال سال ۱۳۹۵ را با همه این بیم‌ها نشیب‌ها پشت سر گذاشتیم و امیدواریم سال آینده، سالی سرشار از امید، رونق و بالندگی برای اقتصاد کشورمان به‌خصوص صنعت ساختمان باشد.

نظر دور داشت که تخریب‌ها و بدعهدی‌های فراوان اجازه ندادند که میوه برجام برسد و شاهد حقیقی آن کام ملت عزیزمان را شیرین کند. در این میان، در بحبوحه ناامنی و ستیزهای فرسایشی جاری در منطقه، قدرت گرفتن تندروی در ایالات متحده، رسیدن به صلحی پایدار را بیش از پیش در هاله‌ای از ابهام قرار داد.

تاثیر چنین عواملی بر روند کاری دولت تدبیر و امید غیرقابل انکار است. با وجودی که این دولت وارث خرابی‌ها و فسادهای بسیاری بود و همزمان با موانع داخلی بسیاری دست و پنجه نرم می‌کرد، در سه سال نخست خود توانست بار مشکلات این کشور را دست‌کم در عرصه بین‌الملل تا حد بسیاری کاهش دهد. با این وجود اتفاقات بعدی دست دولت را در سروسامان دادن به اوضاع موجود تا حد بسیاری بست.

بدون تردید چنین وقایعی بیشترین تاثیر را در اقتصاد کشور و به تبع آن در حوزه صنعت ساختمان از خود برجای گذاشته‌اند و مانع از هر گونه پویایی و رونق در این حوزه شده‌اند. همه این مسائل بیش از پیش این واقعیت را روشن می‌سازند که حوزه‌های مختلف تولیدی کشورمان باید با نگاه به درون و بدون چشمداشت به گشایش دروازه بازارهای جهانی به روی کشورمان و ورود سرمایه‌های خارجی، فکری به حال خود کنند.

پرده دوم نمایشنامه غم‌انگیز ۱۳۹۵ را فاجعه پلاسکو رقم زد. این مصیبت که با فداکاری غیورانه جمعی از جان‌برکفان آتش‌نشان کشورمان رنگ و بویی ترازیک و حماسی به خود گرفت، قلب تمامی ایرانیان را به درد آورد. اما این فاجعه واقعیت‌های، شاید نه چندان پنهان دیگری را به نمایش گذاشت: از یکسو افکار عمومی را متوجه و نگران ابعاد مصیبت‌بار بی‌توجهی به بافت‌های فرسوده کشورمان کرد و از سوی دیگر پرده از سوء مدیریت‌های فراوان برداشت.

با تکیه بر اخبار موجود، در صورت وجود مدیریتی موثرتر در اطفای حریق، این امکان وجود داشت که جوانان برومند این مرزوبوم مجبور به جانفشانی در لهیب آتش جانشوز نشوند. از آن بالاتر اگر بر سازهای شهری و بافت فرسوده مدیریتی کارآمد و کارآزموده‌تر حاکم بود شاید اصلاً چنین اتفاقی در چنین ابعادی هرگز رخ نمی‌داد. درست است که پس از بروز چنین حوادثی